



انقلاب حوزوی و حوزه انقلابی

حجت الاسلام والمسلمین غلامنبی گلستانی



شیخ مجتبی و شیخ هاشم قزوینی، میرزامهدی اصفهانی، مرحوم آیت الله میلانی، آقایان حکیمی ها، خود مقام معظم رهبری و امثال این ها چهره هایی هستند و دوره هایی را ایجاد کردند که در حوزه های دیگر، کم تر شاهد آن هستیم. نکته دوم، جایگاه حوزه مشهد در ادبیات بوده است که با وجود افرادی مثل ادیب اول و دوم و حجت هاشمی و امثال این ها، هیچ حوزه دیگری، قوت ادبیات عرب در حوزه مشهد را نداشته است. مراکزی نظیر مدرسه حقانی که برآمده از تفکر آیت الله بهشتی و جایگاهی برای پرورش نیروهای جامع بود در مشهد هم وجود داشت؛ اما نه با آن نگاه جامع. مدارس مثل مدرسه امام صادق (ع)، زیر نظر مرحوم آیت الله میلانی، یا مدرسه آقای موسوی نژاد در جای خودش قابل توجه بود. البته مدرسه حقانی هم بگومگوها و سروصداهای زیادی حتی در میان دست اندر کارانش داشته است.

مخالفان، در خدمت انقلاب

اگر غفلت شود، همین حوزه های که پشتوانه انقلاب است، ممکن است به ضدانقلاب تبدیل شود! به قول آقای ولایتی دوسوم بدن انسان را ابعاد منفی تشکیل داده و تنها یک سومش ابعاد مثبت دارد؛ اما همین دوسوم، چون

تفکیک و حتی پایه گذاران جریان های مثل مجاهدین خلق هم از مشهد و خراسان هستند. پسران طاهر احمدزاده، مسعود رجوی، شیخ محمود حلبی و غیره خراسانی هستند. جریانات اصیل و بزرگانی هم از این جا هستند که در رأس آن ها مقام معظم رهبری است. جریان ضد فلسفه در مشهد مؤثر بوده است و برای برقراری دروس فلسفه مشکلاتی ایجاد می شد. در قم ده ها درس فلسفه داشته و داریم؛ اما در حوزه مشهد چه؟ البته مرحوم سید جلال آشتیانی هم یک استثناء بود که به عنوان یک حوزوی شناخته نمی شد و در عین حال بسیار مورد حمله قرار می گرفت. کلا هفت هشت شاگرد داشت که به شکل مخفیانه درس می داد!

ویژگی های حوزه خراسان

یک سری نقاط مشترکی بین همه حوزه ها وجود دارد که بیشتر در نظام پویای آموزشی آن ها است. اما تفاوت هایی هم بین حوزه ها وجود دارد؛ حوزه مشهد ویژگی هایی دارد که در سایر نقاط کمتر بوده است. یکی شخصیت پروری و تربیت شخصیت های ویژه که باعث به وجود آمدن جنبش ها و جریانات خاصی شده اند. افرادی نظیر مرحوم



حجت الاسلام غلامنبی گلستانی که سابقه معاونت فرهنگی دانشگاه های علوم اسلامی رضوی و امام رضا (ع) و سردبیری مجلات حوزوی خراسان را در کارنامه دارد، از اساتید برجسته جریان شناسی سیاسی و تحلیل انقلاب در حوزه و دانشگاه های مشهد است. او تشکیک در نسبت دین و سیاست و رابطه حوزه و حاکمیت را بحثی «تاریخ گذشته» می داند که تنها قابلیت طرح در کرسی های آزاداندیشی را دارد؛ اما نگران زیرزمینی شدن این تفکرات نیز هست. مطلب حاضر، گزیده ای از تحلیل او در باره ابعاد و اقتضائات این تعامل، در نشست تخصصی تدوین سند چشم انداز حوزه علمیه خراسان است.

اشتراک در اهداف

پیدایش انقلاب معلول حوزه و تفکر حوزوی است؛ چون امام در رأس آن بوده است. هر چند در شکل گیری انقلاب، سه جریان دخیل بودند؛ رهبری، روحانیت و روشن فکران، اما آن کار اساسی را رهبری و روحانیت داشت و روشن فکران هم در کنارشان بودند.

نظام ما هم نظامی است که بر اساس تفکر و اندیشه اسلامی شکل گرفته؛ با اهداف خاصی که مهم ترین آن اجرای قوانین اسلام است. حوزه هم به عنوان یک نهاد دیرپا و با سابقه که بیش از هزار سال از عمر آن می گذرد و هدف آن تحقق مبانی اسلام و تبیین مفاهیم دینی برای مردم است. پس حوزه و نظام هم از نظر شکلی با هم اشتراک دارند و هم از نظر هدف. تعامل هم همیشه طرفینی

است و با توجه به این نقاط اشتراکی که بین حوزه و انقلاب و نظام وجود دارد، طبیعتاً این تعامل باید یک تعامل پویا و خلاق باشد؛ چون هر دو به عنوان موجود زنده، اگر درجا بزنند، دچار رکود می شوند و از بین می روند.

حوزه خراسان و گرایشات مختلف

حوزه خراسان بخشی از حوزه های علمیه بزرگ شیعه است که قم، نجف و سایر حوزه های شهرها و کشورها را در بر می گیرد. حوزه های است با یک پیشینه خاص و گرایشات مختلف؛ از متحجرت ترین جریانات فکری تا متجددترین آن ها و از چپ ترین جریانات تا راست ترین آن ها در این جا بوده اند. از جریانات متحجرانه ای مثل انجمن حجیه تا جریان فکری خاص مکتب